

معیارها و شاخص های اخلاقی پنهان کاری نامطلوب در زندگی زناشویی

تاریخ دریافت: ۹۶/۷/۳۰

تاریخ تأیید: ۹۶/۱۱/۱۰

حمید مریدیان

دانشجوی دکتری دانشگاه قرآن و حدیث hamim6236@gmail.com

ابراهیم شفیعی سروستانی

استادیار دانشگاه قرآن و حدیث . ibrahim.shafiee@gmail.com

چکیده

از مسائل مهم در روابط همسران، پنهان کاری آنان از یکدیگر است که بخش های چشمگیری از رفتارهای همسران را در بر گرفته است. روشن نبودن ضوابط و اصول اخلاقی سبب شده همسران به تشخیص خود و به دلایل گوناگون، پنهان کاری در زندگی مشترک را توجیه کنند و آسیب ها و پیامدهای منفی برآمده از آن را نادیده بگیرند. ارائه معیار و معرفی شاخص اخلاقی از وقوع پنهان کاری نامطلوب و ناهنجاری های آن جلوگیری می کند و وظیفه همسران در قبال یک زندگی اخلاقی را مشخص می نماید. روش به کاررفته در پژوهش پیش رو، توصیفی - تحلیلی است و شیوه گردآوری داده ها، مبتنی بر بررسی اسناد کتابخانه ای است. مهم ترین معیارهای اخلاقی پنهان کاری نامطلوب به دست آمده فریب و گمراهی، آسیب رساندن به همسر و پیمان شکنی زناشویی است. بر اساس این معیارها می توان شاخص هایی اخلاقی استخراج کرد که عبارت اند از: سوءاستفاده و به اشتباه انداختن همسر، آزردهی و ناراحتی همسر، ایجاد تشویش ذهنی، خیانت، بی وفایی، نداشتن تعهد و بی مسئولیتی. در این مقاله ضمن توضیح هر یک از موارد یادشده، به تبیین و تحلیل آنها پرداخته شده است.

واژگان کلیدی:

پنهان کاری، معیار اخلاقی، شاخص اخلاقی، اصول اخلاقی، زندگی زناشویی، روابط همسران.

مقدمه

از مسائل مهمی که به تقویت یا تضعیف رابطه همسران می‌انجامد، پنهان کاری زن و شوهر از یکدیگر است که معمولاً در طول زندگی مشترک پیش می‌آید. این موضوع به دلیل نداشتن حدومرز مشخص، سبب ایجاد اختلاف در رابطه میان همسران شده است؛ به گونه‌ای که گاهی به دلایلی که یکی از همسران موجه می‌داند، امری را از دیگری پوشیده نگه می‌دارد. از سوی دیگر این دسته از مفاهیم که در حوزه اخلاق به صورت صرفاً نظری بیان می‌شود، ضروری است که به صورت مشخص و کاربردی قابل فهم شود تا برای عمل اخلاقی صحیح، گزینش و عملیاتی شود. این کار که با شاخصه‌سازی و معیاردهی انجام‌پذیر است، افزون بر شناخت وضع موجود، به سنجش کارایی اخلاقی یک رفتار می‌انجامد که در این صورت قواعدی را برای عمل اخلاقی فراهم می‌کند و وظیفه همسران را در یک زندگی اخلاقی مشخص می‌نماید. در پژوهش پیش‌رو به دنبال آنیم که با تبیین و ارائه معیارها و معرفی شاخص‌های اخلاقی، محدوده پنهان کاری نامطلوب را در رابطه زناشویی بشناسانیم؛ به این بیان که معیارها و شاخص‌های اخلاقی پنهان کاری در «زندگی زناشویی» چیست؟ آیا پنهان کاری در میان همسران به لحاظ اخلاقی، درست است یا خیر و اگر نادرست است، معیارها و شاخص‌های آن چیست و اگر درست است، دلایل آن کدام است؟

با توجه به بررسی‌های انجام‌شده، به نظر می‌رسد درباره موضوع یادشده به‌طور خاص مطالعات نظام‌مندی در حوزه اخلاق انجام نشده است. همچنین با جست‌وجوی منابع در موضوع معیارها و شاخص‌های اخلاقی پنهان کاری در زندگی زناشویی، مواردی یافت نشد. از آنجا که این موضوع از نگاه اخلاق خانواده به صورت جدی مورد بحث قرار نگرفته، شایسته است این موضوع تبیین و تحلیل شود. از سوی دیگر با توجه به اینکه این موضوع به رابطه همسران محدود است، می‌توان مواردی در لابه‌لای بحث‌هایی یافت که به موضوعاتی از جمله موارد زیر مربوط می‌شود: کتمان، رازداری، صداقت داشتن و صداقت نداشتن و حفظ حریم خصوصی. با این حال منابعی به دست آمد که با بحث موردنظر ارتباط فراوانی دارد؛ مانند مقاله «تقیه عرفی لایه پنهان زندگی، مطلوب و نامطلوب» نوشته علی پژوهنده^۱ و کتاب دروغ مصلحت‌آمیز: بحثی در مفهوم و گستره آن نوشته سیدحسن اسلامی.

۱. نشریه پژوهش‌های اجتماعی/اسلامی؛ شماره ۸۷ و ۸۸، فروردین ۱۳۹۰، ص ۲۰۹-۲۳۰.

ویژگی تحقیق پیش‌رو استخراج معیارها و شاخص‌های اخلاقی در موضوع پنهان‌کاری نامطلوب است که در فرایند شاخص‌سازی مفاهیم به عناصر قابل مشاهده و قابل‌سنجش تبدیل می‌شوند؛ از این‌رو در این نوشتار - با توجه به گستردگی معیارها و شاخص‌های اخلاقی پنهان‌کاری در روابط همسران - به بررسی مهم‌ترین آنها می‌پردازیم.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. زندگی زناشویی (Married life)

«زندگی زناشویی» همان تداوم یافتن «رابطه زناشویی» است که با پیوند میان همسران به دست می‌آید و تا زمانی که این پیوند بین آنان برقرار است، رابطه ادامه دارد. بر این اساس «رابطه زناشویی» فرایندی است که طی آن زن و شوهر - چه به صورت کلامی و در قالب گفتار و چه به شکل غیر کلامی در قالب گوش دادن، مکث، حالت چهره و ... - با یکدیگر به تبادل احساسات و افکار می‌پردازند (شفیعی سروستانی، ۱۳۹۵، ص ۲۴). این رابطه شامل همه تعاملات موجود میان زن و شوهر، مانند صحبت کردن با هم، گوش دادن به یکدیگر، درک متقابل و داشتن روحیه همکاری و همدلی با همسر، حل تعارضات و اختلافات، مدیریت مالی خردمندان، همکاری در نگهداری و تربیت فرزندان، گذاشتن وقت با کیفیت برای یکدیگر و داشتن تماس جسمانی می‌شود (نیک‌پرور، ۱۳۹۳، ص ۷۷).

۱-۲. پنهان‌کاری (Secrecy)

پنهان‌کاری به گونه‌ای مخفیانه کار انجام دادن را گویند (دهخدا، ۱۳۹۰، ص ۱۰۲۲). این واژه پر کاربرد تعریف اصطلاحی خاصی در علوم ندارد. با توجه به اینکه حوزه پژوهش در این مقاله، اخلاق خانواده است و آن هم به روابط زن و مرد در «زندگی زناشویی» محدود می‌شود، باید بتوانیم پنهان‌کاری را متناسب با این فضا تعریف کنیم؛ از این‌رو مراد از پنهان‌کاری در «زندگی زناشویی» عبارت است از: مخفی کردن آگاهانه چیزی از همسر، به دلایل مختلفی که می‌تواند در عللی همچون ترس ریشه داشته باشد. در این حالت، فرد بعضی چیزها را از وضعیت خصوصی گذرانده و پنهان می‌کند (شلزینگر، ۱۳۸۵، ص ۱۴).

۱-۳. معیار اخلاقی (Ethical criterion)

معیار در لغت عبارت است از: اندازه و پیمان؛ وسیله‌ای که بدان چیز دیگر را بسنجند و برابر کنند (دهخدا، ۱۳۹۰، ص ۲۷۶۵). همچنین به نمونه یا مدل پذیرفته شده، معیار اطلاق می‌کنند (فرهنگ، ۱۳۷۵، ص ۵۲۸). با توجه به اینکه حوزه بحث ما اخلاقی است، معیار در

اینجا مترادف با ملاک است و در امور غیرحسی به کار می رود که به معنای ضابطه وجودی تحقق آن امر یا حکم است که قوام و نظام آن چیز به معیار وابسته است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۴۹)؛ از همین رو می توان گفت مراد از معیارهای اخلاقی، عام ترین هنجارهای اخلاقی است که شامل ملاک و اصول اخلاقی نیز می شود و گاه به صورت خاص گفته شده استانداردهایی هستند که برای قضاوت در مورد این به کار می رود که آیا چیزی به لحاظ اخلاقی صحیح است یا نه؟

در این پژوهش، منظور این نیست که بر اساس چه معیاری پنهان کاری صدق می کند؛ بلکه در واقع معیار کاربرد نداشتن پنهان کاری مدنظر است؛ یعنی در چه موقعیت هایی نباید پنهان کاری شود؛ به بیان دیگر آنچه پنهان کاری نکردن را در یک موقعیت، توجیه اخلاقی می کند، همان معیار اخلاقی پنهان کاری نامطلوب است.

۴-۱. شاخص اخلاقی (Ethical Index)

شاخص در لغت واژه ای عربی است و در اصل به معنای برآمده، بلند و مرتفع است که وسیله مشخص کردن هر موضوعی است (عمید، ۱۳۸۹، ص ۷۲۲). در علوم انسانی که با مفاهیم انتزاعی سروکار داریم، شاخص، تبدیل کردن مفاهیم به عناصر قابل مشاهده و قابل سنجش است. شاخص ها مفاهیم ذهنی و کلی را به مفاهیم عینی و کمی تبدیل می کنند و تصمیم گیری را برای به کارگیری تدابیر کارآمد و اثرگذار آسان می نمایند (توکل، ۱۳۹۰، ص ۲۰۱).

هنگامی که از مفهوم شاخص های اخلاقی پنهان کاری مطلوب استفاده می شود، در واقع مقصود، بررسی الگوها و معیارهای ویژه ای است که عمل به مبنای آنها موجب می شود از بروز ناهنجاری در «زندگی زناشویی» پیشگیری شود. منابع استخراج شاخص ها و روش و چگونگی رسیدن به آنها در رویکرد دینی بر اساس کتاب، سنت و اخلاق است که منابع استخراج شاخص شمرده می شود (رجایی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۳۴). در پژوهش پیش رو به دنبال تبیین مفهوم پنهان کاری، کشف معیارهای استخراج شاخص های اخلاقی آن با روش کشف و اثبات عقلی- نقلی هستیم تا بتوانیم موارد پنهان کاری نامطلوب را شناسایی و جایگاه مطلوب آن را در «زندگی زناشویی» معرفی کنیم. برای این کار از فرایند شاخص سازی بهره می گیریم که در آن پس از تعیین مفهوم موردنظر، تلاش می شود با تجزیه و تحلیل مفهوم، آن را به امور قابل مشاهده بازگردانیم تا به نشانه هایی دست یابیم که به میزان کافی بر مفهوم موردنظر دلالت کند. برای رسیدن به این نشانه ها لازم است ابعاد،

مؤلفه‌ها و معرف‌های مفهوم موردنظر تعیین و ترکیب شوند تا به عناصر قابل مشاهده و قابل سنجش تبدیل گردند (ساروخانی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۹۴). در این مقاله آنچه به عنوان شاخص اخلاقی دنبال می‌کنیم، رفتارهایی است که با کمک آنها می‌توانیم موضوع اخلاقی را در موقعیت خود به کار بندیم و آن را مشاهده‌پذیر و قابل ارزیابی کنیم. این رفتارها متغیرهایی‌اند که به کاربرست، مشاهده و سنجش پنهان‌کاری می‌انجامند و به متون و ادله دینی مستند هستند.

۲. معیارها و شاخص‌های اخلاقی پنهان‌کاری نامطلوب

۲-۱. فریب و گمراهی

فریب به معنای حيله‌گری در نهان است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۱۸۳) و در اصل به مفهوم غافلگیر کردن و زیان رساندن به دیگری است؛ به گونه‌ای که دیگری را با نیرنگ از تصمیم خودش منصرف کند؛ بنابراین فریب به تلاش عمدی برای ایجاد اعتقاد غلط یا اعتماد به چیزی که حقیقت نیست، گفته می‌شود که انسان عامداً و با علم به نادرستی چیزی، موجب می‌شود دیگری به باور نادرست در مورد آن چیز برسد. در نظام اخلاقی اسلام، فریبکاری یک رذیله اخلاقی به شمار می‌رود که مؤمن همواره از نزدیک شدن و رنگ گرفتن به آن نهی شده است؛ زیرا در پستی انسان ریشه دارد. حضرت امام ع علیه السلام در پستی این عمل و صاحب آن می‌فرماید: «یا ک و الخدیعه، فان الخدیعه من خلق اللئیم» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۹۱) از فریبکاری پرهیز که فریبکاری از اخلاق مردم پست و فرومایه است.

از معیارهای پنهان‌کاری نامطلوب، فریب و گمراهی همسر در زندگی مشترک است که زن یا شوهر می‌کوشد در گفتار کلامی یا غیر کلامی و یا با رفتار، همسر خود را فریب دهد. در گفتار کلامی گاهی همسر فریبکار با انداختن بخشی از یک موضوع و پنهان کردن آن، همسر خود را می‌فریبد؛ اگرچه ممکن است هیچ رفتاری از خود نشان ندهد؛ ولی به دلیل انفعالی بودن این روش فریب، همسر وی به آسانی نمی‌تواند فریبکاری او را تشخیص دهد. گاهی نیز همسر فریبکار با رفتار خود موجب پنهان کردن بخشی از حقیقت می‌شود یا در صدد وارونه نشان دادن آن با ژست‌ها و ظاهر نمایشی خود بر می‌آید؛ بنابراین فریب با گویش و کلمات به‌تنهایی انجام نمی‌شود؛ بلکه گفتمان بدون کلام می‌تواند بسیار فریبکارانه‌تر باشد. تسلط و کنترل گفتمان بدون کلام از مهارت‌هایی است که افراد فریبکار به‌خوبی آن را می‌آموزند و اجرا می‌کنند (دقیقیان، ۱۳۸۹، ص ۱۳۱). در این روش، فرد

فریبکار با تظاهر، بخشی از شخصیت خود را از همسرش پنهان می‌کند. او عقاید، باورها و احساسات خود را از حقیقت جدا می‌کند. برای او بیان آزادانه احساس، ناممکن یا بسیار دشوار است؛ به همین دلیل فرد فریبکار افکار و احساسات خود را پنهان می‌کند و آنچه قصد دارد به همسر خود تحمیل کند، با ظاهری نقاب گرفته چنان با ظرافت به کار می‌بندد که کسی متوجه ترفند او نشود (آتش‌پور، ۱۳۸۹، ص ۱۹).

فرد فریبکار معمولاً دلایل فریب دادن همسر را با امر مصلحتی، کمک به او، برای محافظت از وی، پرهیز از توهین به همسر، جلوگیری از اهانت به احساسات و عقاید وی، پوشاندن و پنهان کردن اشتباهات شخصی، خودداری کردن از ایجاد دردهای بیهوده توجیه می‌کند؛ این در حالی است که سودجویی و محافظت از خود، رسیدن به آرزوهای شخصی، انکار واقعیت، فریب همسر، سرپوش گذاشتن آگاهانه بر رویدادهای ناگوار زندگی یا واقعیت‌ها و حقایق نامطلوب زندگی، از دلایل اصلی فریبکاری همسر است که فرد فریبکار در صدد پوشاندن این حقایق در زندگی مشترک است. این افراد در حقیقت گرفتار نوعی اختلال شخصیت‌اند که هرچه دامنه فریبکاری آنان بیشتر باشد، این اختلال افزایش می‌یابد (دقیقیان، ۱۳۸۹، ص ۵۲).

از ویژگی‌های دیگر این افراد، خودمحوری، خودخواهی و مسئولیت‌ناپذیری است که نیاز و خواسته‌های دیگران را نمی‌بینند. با این توضیحات می‌توان گفت فریبکاری در زندگی مشترک گاهی با هدف سوءاستفاده از همسر و گاه با هدف به اشتباه انداختن او انجام می‌شود که از مهم‌ترین شاخصه‌های فریب و گمراهی به شمار می‌روند؛ از این رو با در نظر گرفتن معیار فریب و گمراهی، به بیان این دو شاخصه مهم در زندگی همسران می‌پردازیم.

۱-۲. سوءاستفاده از همسر

همسر فریبکار در زندگی مشترک از هر فرصتی استفاده می‌کند تا همسر خود را بفریبد. او می‌کوشد با ایجاد حسن ظن در همسرش اعتماد او را جلب کند تا بتواند به آسانی کارهایش را به صورت پنهانی و در پوشش اطمینان همسر انجام دهد. در بسیاری از مواقع فرد حيله‌گر به گونه‌ای عمل می‌کند که رفتارهایش طبیعی به نظر برسد. او معمولاً به آسانی امورش را انجام می‌دهد و می‌کوشد همه سختی‌های کار و ترفندهای زیرکانه را پنهان کند. او برای این کار حتی ویژگی‌های خود را با گرایش اخلاقی ویژه‌ای نمایش می‌دهد تا دیگر حركاتش آن‌گونه دیده شود (لیبرمن، ۱۳۹۴، ص ۶۳).

در زندگی مشترک سوءاستفاده می‌تواند ابعاد فراوانی داشته باشد. سوءاستفاده احساسی، کلامی، فیزیکی یا جنسی از انواع آن است. معمولاً مردان و زنانی که سوءاستفاده احساسی می‌کنند، سوءاستفاده کلامی یا ترکیبی از انواع دیگر سوءاستفاده‌ها را نیز مرتکب می‌شوند. بازی کردن با احساسات و عواطف همسر از طریق فریب‌های عاطفی صورت می‌پذیرد که ممکن است همسر تا رسیدن به مقصودش این کار را انجام دهد و تا تأمین منفعت شخصی خود از آن دست نکشد.

در بعضی از کتاب‌های اخلاقی در روابط همسران این نوع از سوءاستفاده و فریب برای همسران را جایز شمرده‌اند (نراقی، ۱۳۷۰، ص ۵۷۵). استناد آنها بر اساس دسته‌ای از روایاتی است که دروغ به همسر را برای فریب وی جایز می‌داند؛ مثلاً اسمانبت یزید در روایتی از رسول صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که ایشان فرمود: دروغ روا نیست؛ جز در سه مورد: مرد با زن خود گفت و گو می‌کند تا خشنودش کند ... (ترمذی، ۱۴۱۹ق، ص ۱۸۷۴).

از سویی روایت‌های دیگری مقصود از دروغ را معین کرده‌اند؛ برای نمونه در روایتی مردی از رسول صلی الله علیه و آله پرسید: ای رسول خدا! آیا بر من گناهی است که به زن خود دروغ بگویم؟ حضرت فرمود: خداوند دروغ را دوست ندارد. باز گفت: ای رسول خدا! [مقصودم آن است که] به صلاحش می‌آورم و دلش را خوش می‌کنم. حضرت فرمود: در این صورت گناهی بر تو نیست (همان، ص ۱۵۹۴).

بر اساس این روایت، پیامبر صلی الله علیه و آله به روشنی دروغ گفتن به زن را منع می‌کند؛ به همین دلیل نمی‌توان قاطعانه گفت که دروغ به زن مجاز است؛ از این رو استناد فقها برای حکم جواز دروغ در این مورد، مناقشه‌پذیر است؛ چنان که مرحوم امام خمینی پس از بررسی این روایات، دروغ گفتن به زن را جایز نمی‌داند و فتوا دادن به آن را دشوار می‌بیند (موسوی خمینی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۴۱). با این توضیحات می‌توان چنین نتیجه گرفت که تنها معنای محصلی که می‌توان از این احادیث به دست آورد، آن است که گفتن پاره‌ای سخنان خوشایند و دلگرم‌کننده به زن مجاز است و این با دروغ اصطلاحی فاصله بسیاری دارد؛ چرا که زن خود به جایگاه این سخنان آگاه است و در نتیجه مسئله گمراه‌گری پیش نمی‌آید و فریبی در کار نیست (اسلامی، ۱۳۸۹، ص ۲۶۶).

۲-۱-۲. به اشتباه انداختن همسر

از شاخصه‌های دیگر فریبکاری، به اشتباه انداختن همسر در زندگی مشترک است. این کار

می تواند از سوی فرد فریبکار به وسیله زبان بدن مانند زبان، چشم، نمایش حرکات مصنوعی، ژست ها و حرکات دست و پا و بازو و سر انجام شود. در پژوهش های گوناگون به نشانه های فریب به صورت مفصل پرداخته شده که شامل ۴۶ نشانه است. برخی از این نشانه ها برگرفته از شیوه های سنتی روان شناسی، مانند زبان بدن و روان شناسی بدن است. آنها برای شناسایی اختلاف میان پیام کلامی و غیر کلامی به کار می روند (لیرمن، ۱۳۹۴، ص ۱۸).

در بسیاری از حالت ها فرد فریبکار برای به اشتباه انداختن همسر خود، با هماهنگی حالت ها و کلمات ژست مربوط به آن، همسر خود را به اشتباه می اندازد. بیان این گونه احساسات که غالباً مصنوعی، ریاکارانه و مبالغه آمیز است، موجب می شود تصور غلط همسر درباره او تغییر کند. بیان واژه های گمراه کننده و گاهی اوقات آسیب زا که سوء تفاهم ایجاد می کند، در به اشتباه انداختن همسر نقش مهمی دارد؛ ولی جلوه های بصری از پیچیدگی کمتری برخوردار است و آسان تر و سریع تر تأثیر می گذارند؛ به این دلیل که جلوه های بصری، از یک قدرت و تأثیر عاطفی برخوردارند و تردید ایجاد نمی کنند (آتش پور، ۱۳۸۹، ص ۸۹).

همسر حيله گر برای رسیدن به مقصد و انحراف ذهن همسر خود، فریب را در ذهن خود می پرورد؛ بدین صورت که فرد فریبکار برای رسیدن به هدف خود مقدمه سازی می کند و از پیش، فریب های خود را با برنامه ریزی و هدفمند اجرا می کند. او در ربط مطالب به یکدیگر دقیق است و در پاسخ به پرسش های همسرش حرفه ای عمل می کند تا پاسخ هایش واقعی به نظر برسد. در این کار، او تنها می خواهد همسر خود را متقاعد کند که حقیقت را می گوید و معمولاً پاسخ را از پیش آماده می کند و به جوانب آن می اندیشد. در شیوه فریبکارانه برای به اشتباه انداختن همسر، گاهی فرد فریبکار با دادن اطلاعات غلط موجب انحراف ذهنی می شود و گاه با ندادن اطلاعات، زمینه به اشتباه انداختن همسر خود را فراهم می کند.

۲-۲. آسیب رساندن به همسر

آسیب رساندن به همسر در زندگی از مصادیق عنوان بالاتری است که جامع همه ردایل اخلاقی است و آن ستم به دیگری است؛ زیرا ستم به معنای اعم عبارت است از: ضرر و اذیت رساندن به غیر، به وسیله کردار یا گفتاری که باعث اذیت [غیر] باشد (نراقی، ۱۳۷۰، ص ۱۵۲)؛ بنابراین کسی که در مقام پنهان کاری آسیبی به همسر خود وارد کند و پنهان کاری او سبب آن شود که

زیان و آزاری متوجه همسر شود، این پنهان‌کاری از مصادیق ستم شمرده می‌شود و باید از آن پرهیز کرد. بنا بر اصل ستم نکردن به دیگران که قرآن مجید می‌فرماید: «لَا تَظْلُمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» (بقره: ۲۷۹)؛ اگرچه فرد قصد آسیب به همسر خود نداشته باشد؛ ولی گاهی بالاتر از آن، فرد با قصد آسیب رساندن به همسر، اقدام به پنهان‌کاری می‌کند که در این صورت بی‌گمان کار وی با آزرده‌گی همسر همراه است و ممکن است دامنه و پیامدهای آن اثرات و آسیب‌های جدی در روابط آنها به دنبال داشته باشد.

در یک نگاه کلی، آسیب‌پذیری می‌تواند جنبه‌های متفاوتی در زندگی مشترک همسران داشته باشد. گاهی آسیبی که از پنهان‌کاری به بار می‌آید، آسیب مالی و اقتصادی (Economical violenc) است و در پنهان‌کاری فرد، زیان مالی متوجه همسر می‌شود؛ مانند برداشت از حساب مالی همسر که به صورت مخفیانه و بدون اطلاع وی صورت می‌گیرد. گاهی آسیب از نوع بدنی و جسمی (Phisycal violenc) است و آن در صورتی است که همسر فرد پنهان‌کار پس از آشکار شدن حقایقی که از او پنهان نگه داشته می‌شده، سلامتی جسمی‌اش به خطر می‌افتد حتی ممکن است در این‌گونه موارد، همسر فرد پنهان‌کار خودکشی کند. گاهی نیز آسیب‌ها از نوع آسیب عاطفی (Senselle violenc) است. اما مهم‌ترین این آسیب‌ها، آسیب روانی (Mental violeenc) است که ممکن است در صورت آشکار شدن پنهان‌کاری همسر، افزون بر اینکه موقعیت فرد نزد همسرش خدشه‌دار می‌شود و مورد بی‌تفاوتی و بی‌مهری از جانب همسر قرار می‌گیرد، همسر آسیب‌دیده دچار پیامدهای زیست‌شناسی مربوط به فشارهای روانی، خستگی و آشفتگی مزمن شود و در برخی مواقع احساس‌هایی همچون افسردگی، اضطراب، طردشدگی و نشخوارهای فکری به سراغ فرد آسیب‌دیده بیاید (مؤمنی جاوید و نادری نوبندگانی، ۱۳۹۳، ص ۳۴).

در هریک از جنبه‌های فوق برخی آسیب‌ها جبران‌شدنی است و بعضی از آنها جبران‌ناپذیر است که میزان آن به عمق و پیامدی که از پنهان‌کاری نامطلوب به بار می‌آید، بستگی دارد؛ اما در بیشتر موارد، آسیب‌هایی که از پنهان‌کاری همسر متوجه همسر می‌شود، جنبه عاطفی و روانی دارد.

از آنجایی که در روایات دینی به معاشرت معروف بین همسران سفارش شده، هر نوع آسیبی که زیانی را متوجه همسر کند، ستم قلمداد می‌شود؛ تا جایی که یکی از پیامدهای آن پذیرفته نشدن طاعات و عبادات است و اعمال عبادی چنین شخصی از سوی خداوند

پذیرفته نمی‌شود؛ از این رو از آسیب رساندن به همسر در روایات نهی شده است. در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است: هرگاه زنی شوهرش را آزار دهد، اگر تمام عمرش را روزه بگیرد و شب‌ها به عبادت پردازد و بنده‌ها آزاد کند و مال‌ها در راه خدا انفاق نماید، خداوند هیچ نماز و کار نیکی را از او نپذیرد تا آن‌گاه که شوهرش را کمک و از خود راضی کند؛ وگرنه آن زن نخستین کسی است که به دوزخ می‌رود. سپس فرمود: مرد نیز اگر در حق همسر خود آزار و ستم روا دارد، چنین گناه و عذابی خواهد داشت (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۳، ص ۳۶۳). در حقیقت چنین شخصی حقوقی از خانواده خویش را تباہ کرده که موجب غضب الهی می‌شود؛ چنان‌که حضرت در روایتی دیگر می‌فرماید: ملعون است ملعون، کسی که حقوق خانواده خود را نادیده بگیرد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۲).

در مقابل روایاتی وجود دارد که آزار نرساندن را نشانه کمال خرد آدمی معرفی می‌کند؛ از این رو که فرد خردمند اهل مردم آزاری و دگر آزاری نیست. امام سه علیه السلام در این باره می‌فرماید: آزار نرساندن نشانه کمال خرد و مایه آسایش دو گیتی است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۰). می‌توان گفت افراد همسر آزار از نظر عقل و خرد فردی و اجتماعی، رشد لازم را نیافته‌اند.

با پنهان کاری بیجا آسیب‌هایی متوجه همسر می‌شود که در روابط همسران تأثیر منفی می‌گذارد، با نظر به این اصل می‌توان دو مورد آزرده‌گی، رنجش و ناراحتی همسر و ایجاد تشویش ذهنی و اضطراب را دو شاخص اخلاقی در پنهان کاری نامطلوب معرفی کرد که به توضیح آنها می‌پردازیم.

۱-۲-۲. آزرده‌گی، رنجش و ناراحتی همسر

پنهان کاری نامطلوب مصداقی از کارهای بیجا، بیهوده و نابخردانه است که موجب آزار همسر می‌شود. مشاهده رفتارهای بیهوده، عاطفه منفی همسر را بر می‌انگیزاند و صمیمیت را به مخاطره می‌اندازد. در روایتی امام علیه السلام آزرده‌گی هم‌نشین با کارهای بیهوده را نشانه عیب فرد می‌داند (همان، ج ۴، ص ۲۸۳).

این نوع از آزرده‌گی، رنجش و ناراحتی همسر را می‌توان در دو بعد جسمانی و عاطفی بررسی کرد. در رنجش جسمی حاصل از پنهان کاری که سلامت همسر را به خطر می‌اندازد، فرد آگاه از پنهان کاری همسر خود، دچار بی‌رمقی و کسالت یا بی‌اشتهایی می‌شود؛ به گونه‌ای که با بی‌توجهی به سلامت خود، به سلامت دیگر افراد خانواده نیز

اهمیت کمتری می‌دهد، وظایف خود را به‌درستی انجام نمی‌دهد و همیشه بی‌حوصله و خسته است. ادامه این روند در زندگی در درازمدت موجب آسیب‌های جبران‌ناپذیری می‌شود که صدمه عاطفی، یکی از آثار آن است. بدخلقی، قهر و ترش‌رویی و احساس خوب نداشتن به همسر از آثار دیگری است که فرد آسیب‌دیده آن را تجربه می‌کند. تردیدی نیست که بسیاری از این آسیب‌ها، از نداشتن مصاحبت لازم با همسر یا کمبود محبت و نبود جاذبه از سوی همسران اتفاق می‌افتد؛ از این رو پنهان‌کاری عاطفی در روابط همسران، زمینه‌ساز ابراز نکردن محبت و صمیمیت و عشق‌ورزی آنها به یکدیگر است که نشان‌دهنده بی‌توجهی به همسر است. گفتن جملاتی که بیانگر محبت همسران به یکدیگر است، در رفع بسیاری از تردیدها و سوءظن‌ها مؤثر است و باعث استحکام و ایجاد علاقه در روابط همسران می‌شود.

روایات دینی با بیان مواردی به چگونگی ابراز عواطف و شیوه‌ها و روش‌های آن اشاره می‌کند. بر اساس روایات، اظهار محبت بیشتر به همسر، نشانه ایمان بیشتر است. رسول صلی الله علیه و آله می‌فرماید: هر چه ایمان بنده افزون شود، محبت [وی] به زن‌ها نیز بیشتر می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰۳، ص ۲۲۸). همچنین ابراز علاقه و عطف و مهربانی از تکالیف حقوقی زن و شوهر شمرده شده است. امام صا در مورد حقی که زن بر شوهرش دارد، می‌فرماید: حق زن بر شوهر، غذا دادن، لباس پوشاندن، با او خوش‌رفتاری کردن و روی ترش نکردن است؛ اگر مردی چنین رفتاری کند، وظیفه شرعی خود را در ازای حقوق همسرش انجام داده است (همان، ج ۱۰۴، ص ۱۵۱).

۲-۲-۲. ایجاد تشویش ذهنی و اضطراب

بسیاری آسیب‌های پنهان‌کاری نامطلوب، به روح و روان همسران ضربه سختی وارد می‌کند و آنها را تحت فشارهای روحی و روانی قرار می‌دهد. تشویش ذهنی و اضطراب حاصل از پنهان‌کاری نامطلوب برای شوهر آسیب‌دیده باعث به‌هم‌ریختگی درونی و ایجاد شک و بدبینی به همسر می‌شود که نقطه مقابل حسن‌ظن و اعتماد در زندگی مشترک است؛ به گونه‌ای که رفته‌رفته تنفر و بیزاری از همسر پنهان‌کار جایگزین علاقه به او می‌شود؛ از این رو روایات دینی سوءظن را فسادگر امور و برانگیزاننده بر شرور معرفی کرده‌اند: «سَوْءُ الظَّنِّ يُفْسِدُ الْأُمُورَ وَ يَبْعَثُ عَلَى الشُّرُورِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۶۳).

توهمات و خیالاتی که فکر و ذهن همسر را مشغول می‌کند، بسیاری اوقات، تصویری

نادرست از همسر می‌سازد که فرد آسیب‌دیده متناسب با آن تصویر با همسرش رفتار می‌کند؛ برای نمونه وقتی زنی احساس می‌کند همسرش بسیاری از امور مهم زندگی را از او پنهان می‌کند و او را شریک زندگی خود نمی‌داند، نتیجه می‌گیرد که شوهرش برای او ارزشی قایل نیست و به او بی‌توجه است. بر اساس این ذهنیت، زن نیز با مقابله‌به‌مثل، چنین رفتاری را در پیش می‌گیرد یا ممکن است به این نتیجه برسد که همسرش او را دوست ندارد. در چنین صورتی، زن در مقام عناد و لجاجت، به آزار شوهر می‌پردازد؛ بنابراین تولید اضطراب و احساس نگرانی در نتیجه افکار منفی است و اغلب اشخاص وقتی فکر منفی می‌کنند یا به نتیجه‌ای بدبین‌اند، احساس نگرانی می‌کنند. این احساس نگرانی همراه با پرسش‌هایی است که پیوسته در ذهن مطرح می‌شود و فرد پاسخی برای آن نمی‌یابد؛ از این رو بر احساسات مشوش دامنه‌دار افزوده می‌شود (استیونز، ۱۳۹۰، ص ۱۴). در چنین رابطه‌ای کیفیت روابط صمیمانه خدشه‌دار می‌شود و فرد آسیب‌دیده در زندگی از روحیه شاداب و باطراوتی برخوردار نیست؛ در نتیجه نمی‌تواند نقش خود را در زندگی، به عنوان یکی از ارکان اصلی خانواده به‌خوبی ایفا کند. در روایات دینی بر معاشرت پسندیده با همسر و ایجاد ارتباط کلامی و عاطفی میان همسران تأکید شده و خوش‌رفتاری با همسر نشانه ایمان معرفی شده است: «إِنَّ أَكْمَلَ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا، وَ خَيْرَكُمْ خَيْرَكُمْ لِنِسَائِهِمْ» (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۹۳). کامل‌ترین مؤمنان از حیث ایمان، خوش‌اخلاق‌ترین آنهاست و شایسته‌ترین شما کسانی‌اند که با زنان خود خوش‌رفتارترند.

البته اظهار مسائلی که دانستن آن سودی به حال همسر ندارد، موجب تشویش خاطر ذهن و به‌هم‌ریختگی و ایجاد دغدغه‌ای می‌شود که آسیب‌های جبران‌ناپذیری به همراه خود دارد؛ از این رو گاهی پنهان بودن پاره‌ای از مسائل برای حفظ آرامش و تأمین مصالح خانواده بهتر است.

۳-۲. پیمان شکنی زناشویی

قرآن کریم در اهمیت پیمان زناشویی، میثاق همسری را از استوارترین و ارزشمندترین پیمان‌های بشری معرفی می‌کند و از آن با عبارت «میثاق غلیظ» یاد می‌کند که منظور از آن، زندگی مبتنی بر وثوق و اطمینان است: «وَأَخْذُنْ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا» (نساء: ۲۱). توصیف میثاق به غلیظ مشخص می‌کند عقد ازدواج جایگاه والایی دارد (آل رسول، ۱۳۹۱، ص ۱۸)؛ اما گاهی فرد با زیرپا گذاشتن این میثاق و با پنهان‌کاری روابط خود با

شخصی غیر از همسر، به صورت پنهانی پیمان زناشویی را نقض می‌کند؛ به گونه‌ای که زندگی مشترک را به مخاطره می‌اندازد. در تعریف پیمان‌شکنی گفته شده هرگونه رابطه عاطفی، جنسی یا جسمی با فرد سوم است که فرد می‌کوشد آن را از همسرش پنهان کند؛ زیرا آشکار شدن آن با احساس شرم و گناه همراه است و می‌تواند واکنش‌های اعتراض‌آمیز همسر را در پی داشته باشد. بدون پنهان‌کاری، بیشتر روابط خارج از ازدواج دوام نمی‌آورد. پنهان‌کاری برای ایجاد و حفظ رابطه نامتعارف ضروری است (Whisman, 2009, p.21).

در موارد بسیاری، افراد پیمان‌شکن می‌کوشند علت رفتارشان را در بیرون از خود جست‌وجو کنند و این مسئله را به همسرشان نسبت دهند. این باور سبب می‌شود آنان در روند ارزیابی عوامل سبب‌ساز، نقش خود را کم‌رنگ و نقش دیگری یا عوامل بیرونی را پررنگ نشان دهند؛ درحالی که عوامل گوناگونی برای نقض پیمان‌شکنی زناشویی وجود دارد که مربوط به فرد پیمان‌شکن نیز می‌شود. ویژگی‌های شخصیتی، مشکلات روان‌پزشکی، اعتیاد، ارضا نشدن نیازهای جنسی، درآمد بالا، جذابیت‌های ظاهری و جنسی، سطح اخلاقی پایین، باورهای فرهنگی، الگوگیری از والدین یا دوستان و بستگان نزدیک، همگی راه را برای پیمان‌شکنی هموار می‌کند (قهاری، ۱۳۹۵، ص ۱۱۳). همچنین عوامل بیرونی مانند مشکلات مالی، مشکلات مربوط به خانواده‌های دو طرف، وجود برخی شبکه‌های ناسالم اجتماعی و ماهواره‌ای و تمایل همسران به دیدن فیلم و برنامه‌هایی که به تبلیغ روابط جنسی و بی‌بندوباری بدون تعهد می‌پردازد، آنان را به سمت زیرپا گذاشتن اصول و ارزش‌های اخلاقی و تعهد زناشویی سوق می‌دهد؛ اما مهم‌ترین این عوامل به روابط زناشویی در زندگی مشترک مربوط می‌شود که نبود صمیمیت، روابط زناشویی پرتعارض و آشفته، مشکلات ارتباطی، تفاوت‌های فرهنگی و مذهبی، طلاق عاطفی، نداشتن جذابیت جنسی و ناتوانی در درک و همدلی با یکدیگر از مهم‌ترین آنها به شمار می‌رود. از سوی دیگر روابط پنهانی و خارج از چارچوب، باعث ایجاد صمیمیت میان طرفین (فرد و شخص سوم) می‌شود و کمک می‌کند رابطه حفظ شود و به دلیل پنهان بودن رابطه، فرد از فشارهای اجتماعی و انتقاد افراد در امان می‌ماند (فتحی، ۱۳۹۴، ص ۶۱).

بر اساس مطالعات به دست آمده امروزه پیمان‌شکنی مهم‌ترین عامل جدایی همسران در کشورهای بسیاری از جمله آمریکا است (Amato, 1997, p.59). شواهد به دست آمده نشان

می دهد سی تا شصت درصد مردان و بیست تا پنجاه درصد زنان در زوال زندگی زناشویی مرتکب بی وفایی می شوند. بر پایه آمار ارائه شده، مردان بیشتر از زنان مرتکب بی وفایی به همسر می شوند و شریک های عاطفی پرشماری را تجربه می کنند.

با توجه به اصل پیمان شکنی در پنهان کاری نامطلوب می توان مهم ترین شاخص های آن را خیانت، بی وفایی و بی مسئولیتی و نداشتن تعهد همسران در زندگی مشترک عنوان کرد که به توضیح آنها می پردازیم.

۱-۳-۲. خیانت و بی وفایی

بی وفایی و خیانت از شاخصه های مهم پیمان شکنی زناشویی به شمار می روند که زوج یا زوج در زندگی مشترک با فرد سومی ارتباط برقرار می کند؛ با این تفاوت که اگر برقراری ارتباط با فردی از جنس مخالف باشد، بی وفایی نام دارد و اگر برقراری ارتباط با فردی از جنس مخالف، جنسی باشد، خیانت نامیده می شود. در هر صورت تشابهاتی میان بی وفایی و خیانت وجود دارد که عبارت اند از: ۱. هر دو بدون اطلاع همسر انجام می شود. ۲. بدون توسل به دروغ، بی وفایی و خیانت امکان پذیر نیست. ۳. انگیزه اصلی بی وفایی و خیانت، نوعی لذت طلبی است (کاوه، ۱۳۸۷، ص ۱۱).

ویژگی های آشکار بی وفایی و خیانت، خوگیری، عادت پذیری و تکراری بودن آن است. خوگیری و عادت به آن به دلیل ماهیت مخدری بودن آن است که مانند مصرف مواد مخدر، روح و روان شخص به مصرف گرایش می یابد. شخص با یک بار یا چند بار استفاده نیازش برطرف نمی شود و در نوبت ها و دفعات بعدی همچنان به تجربه دوباره آن نیاز دارد که در هر نوبت باید با کیفیت دیگری تجربه شود؛ برای نمونه اگر در آغاز، صحبت و مکالمه از طریق تلفن برآورده کننده هیجان باشد، پس از مدتی تکرار آن دیگر هیجان آور نخواهد بود و گفت و گوی حضوری می تواند هیجان های مورد نیاز را به همراه داشته باشد و به همین صورت روابط صمیمانه تر و خصوصی تر می شود و پیامدهای ناگواری به همراه می آورد. در روابط همسران، پنهان کردن بی وفایی و خیانت، اگرچه تا حدودی می تواند ادامه یابد؛ ولی به واسطه تکرار شدن های پی درپی و مجموعه رفتارها و عملکردهای معنادار، در نهایت شواهدی به جا می گذارد که همسر متوجه آن می شود. در چنین وضعیتی همسر آگاه شده از این امر، آسیب عاطفی و روانی شدیدی را تجربه می کند. افشای بی وفایی و خیانت، تأثیر بسزایی در روحیه همسر آسیب دیده می گذارد. آشکار شدن

بی‌وفایی موجب غم، اندوه و اضطراب فراوانی در قربانی بی‌وفایی می‌شود. این افراد نسبت به همسر خویش سرد و بی‌عاطفه می‌شوند و روحیه بسیار آشفته، خشمگین، مغبون و آزرده خواهند داشت و از اینکه در زندگی نسبت به همسرشان با صداقت بوده و مورد چنین رفتار و برخوردی قرار گرفته‌اند، آسیب بسیار شدیدی را تجربه می‌کنند. این دسته از همسران معتقدند زندگی مشترک و زناشوییشان به پایان رسیده است؛ به گونه‌ای که برای بسیاری از افراد، دوران پس از این کشف بی‌وفایی، به شکل تحمل‌ناپذیری تیره‌وتار و در مقابل، گذشته به صورت غیرواقعیانه‌ای بسیار خوشایند به نظر می‌رسد (لاسترمن، ۱۳۹۳، ص ۸۴).

در روایات دینی خیانت به همسر مایه هلاکت معرفی شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «شِرَارُ نِسَائِكُمُ الْحَصَانُ عَلَى رُؤُوسِهَا الْهَلُوكُ عَلَى غَيْرِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۲۶) بدترین زنان آن کسی است که خود را در برابر شوهرش حفظ می‌کند و برای دیگران هلاک می‌کند. در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام خیانت به همسر از جمله عوامل شقاوت و سیه‌روزی دانسته شده است: «مِنْ شَقَاءِ الْمَرْءِ أَنْ تَكُونَ عِنْدَهُ امْرَأَةٌ مُعْجَبٌ بِهَا وَ هِيَ تَخُونُهُ» (همان، ص ۲۵۸) از بدبختی مرد این است که نزد او زنی زیباست و آن زن به او خیانت می‌کند.

۲-۳-۲. بی‌مسئولیتی و نداشتن تعهد

بی‌مسئولیتی و تعهد نداشتن زن و مرد به یکدیگر در زندگی مشترک، نشانه‌ای از پیمان‌شکنی زناشویی است که در آن رابطه همسران رابطه‌ای سطحی، ظاهری و بدون سمت و سو خواهد بود و در این صورت، آنان نخواهند توانست عمق عشق و صمیمیتی را که در سایه وفاداری و تعهد همسر و ازدواج پدید می‌آید، تجربه کنند. ادامه این وضعیت حفظ و تداوم، امنیت، رضایت و تعلق خاطر در زندگی زناشویی را به مخاطره می‌اندازد و فاصله از شریک زندگی را پدید می‌آورد؛ زیرا تعهد فرد به دیگری در ازدواج، بی‌گمان امنیت در رابطه را به دنبال خواهد داشت. این تعهد حسی با ارزش به همسران می‌دهد که در زمان‌های سخت کنار یکدیگر بمانند.

تعهد نداشتن همسران نه تنها رابطه میان آنها را دچار تنش می‌کند؛ بلکه آثار منفی فراوانی بر خانواده می‌گذارد و فشارهای زیادی را بر مسائل اقتصادی، عاطفی، فرهنگی و اجتماعی خانواده تحمیل می‌کند. زوجینی که درباره تعهد خود در برابر همسر و دیگران به بلوغ فکری لازم نرسیده‌اند و رفتاری دوسوگرایانه را تعقیب می‌کنند، در ازدواج و کار

کردن با دیگران دچار مشکل خواهند شد و غالباً نتیجه این امر، بی‌وفایی است. بر اساس نتایج پژوهش‌ها، تعهد نداشتن مهم‌ترین عامل مؤثر بر بروز طلاق است. به نظر کوهان و کلینباوم، با توجه به مشکلات خانوادگی در جامعه و بالا رفتن میزان طلاق، شناسایی عوامل تأثیرگذار و مرتبط با تعهد زناشویی و برنامه‌ریزی آموزش‌های مبتنی بر این یافته‌ها می‌تواند به پیشگیری از اختلافات زناشویی و پربار کردن ارتباطات میان همسران، به‌ویژه افزایش تعهد زناشویی کمک نماید (Cohan & Kleinbaum, 2002, p. 187).

بر اساس الگوی جامعی که جانسون ارائه می‌دهد، تعهد زناشویی را به سه صورت می‌توان تصویر کرد: تعهد شخصی (Personal Commitment)، تعهد اخلاقی (Moral Commitment) و تعهد ساختاری (Structural Commitment) (Johnson, 1999, pp. 73-87). تعهد نداشتن در هر بعد، نشانه‌ای از پیمان شکنی و نپذیرفتن مسئولیت در زندگی مشترک است. بی‌تعهدی در نوع شخصی به معنای علاقه نداشتن و تمایل فرد برای تداوم رابطه زناشویی است. بی‌تعهدی در بعد اخلاقی بیانگر نداشتن وفاداری اخلاقی فرد به ازدواج است و بی‌تعهدی ساختاری به معنای رابطه‌ای بدون تعهد، سطحی و ناپایدار است. کلمنس و سوین‌سن نیز معتقدند تعهد در همسران به‌طور مثبت، با ثبات و کیفیت زناشویی و همچنین به‌طور مثبت با بیان عشق، سازگاری و کاهش تعارضات زناشویی ارتباط دارد (رضایی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۳۸).

قرآن کریم در بیان صفات مؤمنان، پابندی به تعهدات زندگی و وفادار بودن به همسران را از نشانه‌های فرد مؤمن بر می‌شمارد و می‌فرماید «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ» (مؤمنون: ۸). از سویی ایجاد مسئولیت و تعهد در زندگی مشترک، به معنای طرح توقعات بیجا و آزاردهنده نیست؛ چنان‌که حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در خطاب به همسر گران‌مایه خویش، امام علی بن ابی‌طا علیه السلام می‌فرماید: «يَا أَبَا الْحَسَنِ إِنِّي لَأَسْتَحْيِي مِنَ الْهَيْبَةِ أَنْ تُكَلِّفَ نَفْسَكَ مَا لَا تُقْدِرُ عَلَيْهِ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۷، ص ۱۰۳). علی جان! از من می‌پرسی چرا هیچ‌گاه چیزی از تو درخواست نمی‌کنم. [من از خدای خود شرم می‌کنم خواسته‌ای از تو داشته باشم و تو توانایی تأمین آن را نداشته باشی.

بحث و نتیجه‌گیری

با بررسی معیارها و شاخص‌های اخلاقی پنهان‌کاری در روابط همسران به مواردی دست یافتیم که مطابقت با آنها پنهان‌کاری همسران در زندگی زناشویی، مطلوب ارزیابی

نمی‌شود. بر اساس پرسش‌های تحقیق، پنهان‌کاری در زندگی همسران، نه به شکل مطلق مذموم است و نه ممدوح؛ بلکه اطلاق ذم و مدح بنا بر جهتی است که در آن وجود دارد. انطباق با اصول و معیارهای اخلاقی در روابط زناشویی، پنهان‌کاری همسران را فضیلتی اخلاقی می‌کند و پیامدهای مطلوبی به همراه دارد که مهم‌ترین آنها حفظ و تحکیم رابطه، حساسیت‌زدایی، جلوگیری از برخوردهای ناخوشایند، آرامش و رضایت، اصلاح و تربیت و دخالت نکردن دیگران است. از سوی دیگر عدول از اصول و معیارهای اخلاقی در روابط زناشویی، پنهان‌کاری همسران را ردیلتی اخلاقی می‌کند و پیامدهای ناگوار به همراه دارد که مهم‌ترین آنها سردی روابط جنسی و عاطفی، بدبینی و سوءظن به یکدیگر و اثرگذاری رابطه آنها بر اعضای دیگر خانواده است.

تبیین معیار و شاخص‌های اخلاقی، وظیفه همسران در قبال یک زندگی اخلاقی را مشخص می‌کند و با توصیف وضعیت و آسیب‌شناسی رابطه همسران، دستیابی به وضعیت مطلوب را هموار می‌سازد؛ همچنین با ارائه معیارها و شاخص‌ها می‌توانیم موضوع اخلاقی را در موقعیت خود به کار ببندیم و آن را مشاهده‌پذیر و قابل‌ارزیابی کنیم. این رفتارها متغیرهایی هستند که به کار بست، مشاهده و سنجش پنهان‌کاری می‌انجامند و به متون و ادله دینی مستندند.

ویژگی‌های تحقیق پیش‌رو و تفاوت آن با کارهای دیگری که انجام شده، این است که اگرچه در موضوع استخراج معیارها و شاخص‌ها در علوم انسانی کارهایی صورت گرفته است؛ ولی در حوزه اخلاق، کار جدی به چشم نمی‌خورد. البته عناوینی وجود دارد که با موضوع معیارها و شاخص‌ها به بررسی موضوعی اخلاقی پرداخته‌اند؛ اما به فرایند استخراج معیار و شاخص‌سازی توجهی نشده است که در این تحقیق به آن عنایت شد. همچنین درباره موضوع پنهان‌کاری در رابطه همسران مطالبی در کتاب‌های گوناگون اخلاقی، ارتباطات و روان‌شناسی وجود دارد که بیشتر به عنوان یک مشکل و آسیب در رابطه همسران مطرح شده که در این پژوهش نه تنها از نگاه آسیب‌شناسی بررسی شد؛ بلکه به ارائه معیار و شاخص‌های اخلاقی آن در روابط همسران پرداخته شد.

نبود منابعی که به‌طور مستقل به موضوع پنهان‌کاری پرداخته باشند، سبب آن شده که کمتر به این موضوع شایع در روابط همسران توجه شود؛ از این رو به دلیل گسترده بودن دامنه و مصادیق فراوان آن در زندگی همسران، بررسی این موضوع دشوار است. از نتایج

علمی و عملی پژوهش انجام شده می‌توان به استفاده کاربردی در مراکز پژوهشی مربوط به مسائل و موضوعات همسران و حوزه‌های مرتبط با آن اشاره کرد که به کار بستن آنها در زندگی همسران و بهره‌گیری از آن در مراکز مشاوره برای برگزیدن راهکار مناسب در مشکلات و اختلافات همسران راهگشا خواهد بود.

منابع و مأخذ

قرآن مجید.

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ *لسان العرب*؛ ج ۳، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۲. اسلامی، حسن؛ *دروغ مصلحت آمیز*؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۹.
۳. اکبری، رضا؛ *جامعه‌شناسی خانواده و آسیب‌های نوپدید آن*؛ تهران: آوای نور، ۱۳۹۵.
۴. آتش‌پور، حمید؛ *نقوذهای فریکارانه*؛ تهران: نشر سپید، ۱۳۸۹.
۵. آل رسول، سوسن؛ «اخلاق وفاداری همسران و شاخصه‌های ارزشی آن در اسلام»؛ *زن و مطالعات خانواده*، سال چهارم، شماره ۱۶، تابستان ۱۳۹۱، ص ۱۳-۲۹.
۶. ترمذی، محمد بن عیسی؛ *جامع ترمذی*؛ قاهره - مصر: دارالحدیث، ۱۴۱۹ق.
۷. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ *تصنیف غررالحکم و درر الکلم*؛ قم: دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶.
۸. توکلی، عبدالله؛ «سنجش فساد اداری: در آمدی بر تبیین الزامات روش شناختی طراحی شاخص ملی»؛ *فصلنامه علمی - پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی*، سال ۱۷، شماره ۶۹، زمستان ۱۳۹۰، ص ۱۹۳-۲۱۶.
۹. دقیقیان، پروین؛ *چرا دروغ می‌گوییم؟*؛ تهران: دانژه، ۱۳۸۹.
۱۰. دهخدا، علی‌اکبر؛ *فرهنگ متوسطه دهخدا*؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۹۰.
۱۱. رجایی، سید محمد کاظم و همکاران؛ *درآمدی بر شاخص‌های اقتصادی*؛ قم: انتشارات مؤسسه امام خمینی، ۱۳۹۴.
۱۲. رضایی، جواد و دیگران؛ «تأثیر آموزش زوج‌درمانی اسلام‌محور بر تعهد زناشویی زوجین»؛ *مجله روان‌شناسی و دین*، سال پنجم، شماره اول، بهار ۱۳۹۱، ص ۳۷-۶۰.
۱۳. ساروخانی، باقر؛ *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*؛ تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۵.
۱۴. شفیعی سروستانی، ابراهیم؛ *سلامت جنسی در جامعه اسلامی*؛ ج ۱: (سلامت جنسی؛ چستی، چرایی و چگونگی)؛ قم: اداره کل پژوهش‌های اسلامی صداوسیما، ۱۳۹۵.
۱۵. شلزی‌نگر لوزا؛ *۱۰ کاری که زندگی زناشویی را خراب می‌کند*؛ ترجمه محمد گذرآبادی؛ تهران: رسا، ۱۳۸۵.
۱۶. عمید، حسن؛ *فرهنگ فارسی عمید*؛ تهران: عترت، ۱۳۸۹.

۱۷. طوسی، محمد بن الحسن؛ *الأمالی*؛ قم: دارالتقافة، ۱۴۱۴.
۱۸. فتحی منصور؛ *بی وفایی در روابط زناشویی*؛ تهران: انتشارات جامعه شناسان، ۱۳۹۴.
۱۹. فرهنگ، منوچهر؛ *فرهنگ فشرده علوم اقتصادی (فارسی - انگلیسی)*؛ تهران: نشر سپید، ۱۳۷۵.
۲۰. قهاری شهربانو؛ *پیمان شکنی در زناشویی: راهکارهایی برای مداخله*؛ تهران: دانژه، ۱۳۹۵.
۲۱. کاوه، سعید؛ *همسران و بی وفایی و خیانت*؛ تهران: سخن، ۱۳۸۷.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق؛ *الکافی*؛ تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷.
۲۳. لاسترمن، دان. *دیوید؛ آسیب شناسی وفاداری در زندگی زناشویی*؛ مترجم: سعیده زوزیان؛ تهران: دانژه، ۱۳۹۳.
۲۴. لیبرمن، دیوید. *جی؛ چگونه دروغگورا در چند دقیقه بشناسیم؟*؛ ترجمه حسین رحیم منفرد؛ تهران: نقش و نگار، ۱۳۹۴.
۲۵. مؤمنی جاوید، مهر آور و زهرا نادری نوبندگانی؛ *روابط فرا زناشویی: علل، پیامدها، نظریه و درمان*؛ تهران: شباهنگ، ۱۳۹۳.
۲۶. مجلسی، محمد باقر؛ *بحار الانوار*؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.
۲۷. موسوی خمینی، سید روح الله؛ *تحریر الوسيله*؛ قم: دارالهجره، ۱۴۱۳ق.
۲۸. نراقی، مولی مهدی؛ *معراج السعاده*؛ ترجمه سید جلال الدین مجتبیوی؛ چ ۴، تهران: حکمت، ۱۳۷۰.
۲۹. نیک پرور، فاطمه؛ «*رابطه جنسی*، فراتر از نزدیکی جسمی: اهمیت رابطه جنسی در زندگی زناشویی»؛ *سپیده دانایی*، سال هفتم، شماره ۸۱، آبان ۱۳۹۳، ص ۷۶-۷۷.
۳۰. هالی هزلت استیونز؛ *زنان نگران*؛ ترجمه مهدی قراچه داغی؛ تهران: نشر پیکان، ۱۳۹۰.
۳۱. Amato, P.R., & Rogers, S.J.; "A longitudinal study of marital problems and subsequent divorce"; *Journal of Marriage and the Family*, ۵۹, ۱۹۹۷, pp. ۶۱۲-۶۲۴.
۳۲. Cohan, C. L., & Kleinbaum, S.; "Toward a greater understanding of premarital cohabitation and marital commitment"; *Journal of Marriage and Family*, ۶۴, ۲۰۰۲, pp. ۱۹۳-۱۸۰.
۳۳. Johnson, M.P.; "Personal, moral, and structural commitment to relationships: Experiences of choice and constraint"; *In Handbook of interpersonal commitment and relationship stability*. J.M. Adams and. Jones, eds. New York: Kluwer Academic., ۱۹۹۹, pp. ۷۳-۸۷.
۳۴. Whisman MA, Gordon KC, Chatav Y.; *Predicting sexual infidelity in a population-based sample* *J Fam Psychol* ۲۰۰۹ Jun; ۲۱(۲): ۳۲۰-۴.